



## Norbert Elias: sport and the process of European civilization

Kamal Javanmard \*<sup>۱</sup>

(Receipt: ۲۰۲۲.۰۵.۰۱- Acceptance:۲۰۲۲.۰۸.۰۸)

### Abstract:

The following article explores the ideas of Norbert Elias, a vanguard in the sociologist of sport. A philosopher who saw "sport" as the key to understanding societies and a tool for analyzing the governing structures of society, and saw it as a vehicle for self-control and moderation of violence in the civilizing process. In this article, we first explain the life and application of the theories of this tireless sociologist who sought to provide a model for discovering the causes of change in European behavior and how modern Western civilization originated, and the role of sport and games in this valley. Then, a look at the basics of "Elias" views in the sociology of sport is taken and his positive view of sports and verification of games. Then, the functions of sport are analyzed from his perspective, which considered sport beyond sport. In another paper, the game is described as a social process and its models for sociological explanations, because "Elias" likened the world to a big game and believed that the game and its models govern social life. And constitute human relations. Finally, in the final part of this article, the evolution of this phenomenon was examined and its change process from traditional and violent games to modern and peaceful sports was analyzed. The process in which sport influences the behavioral patterns of Europeans and the process of "sportization" process in society as a whole to provide the basis for the creation and expansion of Western civilization.

**Key Words:** Norbert Elias, Sociology of Sport, Civilizing process, social change, europe.

---

<sup>۱</sup>.Assistant Professor, Department of Sociology, Quds City Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

\*.Corresponding Author: [Javanmardkamal@yahoo.com](mailto:Javanmardkamal@yahoo.com)



10.30495/jsec.2022.1906181.1998



## «نوربرت الیاس»: ورزش و فرآیند متمدن شدن اروپا

کمال جوانمرد<sup>1</sup>

(دریافت: 1401/02/11 - پذیرش نهایی: 1401/05/17)

### چکیده

این مقاله به واکاوی اندیشه‌های «نوربرت الیاس» در زمینه نقش و کارکرد ورزش در تحولات و تغییرات اروپا می‌پردازد. «الیاس» یکی از پیشقراولان حوزه جامعه‌شناسی ورزش بر آن است که «ورزش» کلید شناخت جوامع و ابزاری جهت تحلیل فرهنگ و ساختارهای حاکم بر جامعه است. او ورزش را محملی برای خویشنداری و تعدیل خشونت‌ها در راستای تغییرات اجتماعی و فرآیند متمدن شدن می‌پنداشت. سؤال اساسی این مطالعه ناظر بر این است که آیا ورزش در تغییرات و تحولات اجتماعی و فرهنگی اروپا در راستای متمدن شدن نقش داشته است؟ در این مقاله از روش تحقیق تاریخی - اسنادی و فن کتابخانه جهت گردآوری مطالب استفاده شده، به طوری که نخست به تشریح زندگی و کاربست نظریات اجتماعی این جامعه‌شناس که در پی ارائه‌ی الگویی جهت کشف علل تغییر و تحول در رفتار اروپائیان و چگونگی پیدایش تمدن مدرن غرب بوده، پرداخته شده و نقش ورزش و بازی‌ها در این وادی تبیین شده است. سپس نیم‌نگاهی به بن‌مایه‌های آراء الیاس در جامعه‌شناسی ورزش انداخته شده و دیدگاه مثبت وی به ورزش و بازی‌ها مورد واکاوی قرار گرفته است. آن‌گاه به تحلیل کارکردهای ورزش از چشم‌انداز وی که ورزش را فراتر از ورزش و یکی از شاخص‌های تأثیرگذار در تغییرات اروپا می‌پنداشت، پرداخته شده است. در این مقاله همچنین به تشریح بازی و مدل‌های آن به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی مبادرت شده، زیرا که الیاس، جهان را به یک بازی بزرگ تشبیه کرده و بر آن بود که بازی و مدل‌های آن ناظر بر حیات اجتماعی و تشکیل‌دهنده‌ی روابط انسانی و موتور محرکه تغییرات اجتماعی هستند. سرانجام در بخش پایانی این نوشتار، سیر تحول این پدیده و روند دگردیسی آن از بازی‌های سنتی و خشن به ورزش‌های مدرن و صلح‌آمیز مورد تحلیل قرار گرفته است. فرآیندی که در آن ورزش بر الگوهای رفتاری اروپائیان تأثیر گذاشته و فرآیند «ورزشی‌شدن» را در جامعه فراگیر کرده تا بستر را برای ایجاد تغییرات و تحولات و گسترش تمدن اروپا فراهم نماید.

### واژه‌های کلیدی:

نوربرت الیاس، جامعه‌شناسی ورزش، متمدن شدن، تغییرات اجتماعی اروپا، ورزش.

1- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\* نویسنده مسئول: [Javanmardkamal@yahoo.com](mailto:Javanmardkamal@yahoo.com)

## مقدمه

نوربرت الیاس<sup>۱</sup> (1897-1990)، فیلسوف، اندیشمند و جامعه‌شناس آلمانی در 22 جولای سال 1897 در خانواده‌ای از طبقه‌ی متوسط و روشنفکر یهودی در «براسلاو»<sup>۲</sup> در منطقه‌ای واقع در «سیلیزیای»<sup>۳</sup> که اکنون به نام «روکلاو»<sup>۴</sup> در لهستان قرار دارد به دنیا آمد (الیاس، 1400: 13). پدرش از کارخانه‌داران خرده‌پا و مرفه بود که فضای صمیمانه و عاشقانه‌ای را بر خانواده‌اش حکمفرما نموده بود. به طوری که این دوران الیاس را آکنده از اعتماد به نفس کرده و بعدها در زندگی به کمکش آمد، تا آنجا که در زندگی‌نامه‌ی خود، نوشته‌اش تحت عنوان «نوربرت الیاس به روایت خودش» می‌نویسد:

«این احساس امنیت و اعتماد به نفس را به حساب دوران کودکی‌ام می‌گذارم. احساس اطمینان داشتم و احساس این که هر کاری را به بهترین شکل ممکن می‌توانم انجام دهم و آن را از احساس امنیتی می‌دانم که پدر و مادرم در کودکی فراهم کردند» (الیاس، 1980: 24).

او می‌نگارد: «هرگز درباره‌ی خودم دچار تردید نشده‌ام. همیشه باور داشته‌ام که توانایی انجام هر کار نسبتاً مهم را دارم. این ایمان هرگز در من سست نشده است» (همان منبع: 86).

الیاس در سال 1915 در دوران جوانی و در سن 18 سالگی در رشته‌ی مخابرات ارتش آلمان در جنگ اول جهانی خدمت کرد و سپس در سال 1918 در دو رشته‌ی پزشکی و فلسفه در دانشگاه شهر محل تولدش؛ براسلاو ثبت نام کرد. وی پس از گذراندن دوره‌ی عمومی پزشکی این رشته را رها نمود و به فراگیری فلسفه روی آورد (استونز، 1379: 215). اما او هیچ‌گاه علوم طبیعی را به جهت تأثیر بر روی افکارش رها نکرد، زیرا او دریافته بود که بین اجزای گوناگون بدن انسان نوعی ارتباط متقابل وجود دارد و همین دیدگاه جهت‌گیری او را درباره‌ی روابط متقابل انسانی و شکل‌گیری «جامعه‌شناسی تجسمی»<sup>۵</sup> یا «پیکربندی» را به وجود آورد (ریترز و گودمن، 1393: 556). الیاس دکترایش را در سال 1924 گرفت و برای فراگیری علوم اجتماعی به هایدلبرگ<sup>۶</sup> رفت و در رشته‌ی جامعه‌شناسی تحصیل کرد. وی به جامعه‌شناسی تاریخی علاقمند شد و با آلفرد وبر<sup>۷</sup> و کارل مانهایم<sup>۸</sup> آشنا شد، با آن‌ها همکاری نمود و از ایشان تأثیراتی پذیرفت و سپس در سال 1929 با مانهایم به

۱. Norbert Elias

۲. Breslau

۳. Silicia

۴. wroclaw

۵. Figurational sociology

۶. Heidelberg

۷. A. Weber

۸. K. Manheim

دانشگاه فرانکفورت رفت و در حاشیه‌ی مکتب انتقادی فرانکفورت فعالیت نمود (کسلر، 1394: 286). در سال 1933 با همکاری وی رساله‌ی استادی خود را با نام «انسان درباری»<sup>1</sup> نوشت و سال‌ها بعد، در سال 1969 آن را در قالب کتابی تحت عنوان «جامعه‌ی درباری»<sup>2</sup> منتشر کرد و به شهرت جهانی رساند. با به قدرت رسیدن هیتلر و حزب نازی در آلمان و اوج‌گیری یهودی‌ستیزی و از سوی دیگر، به جهت محدودیت‌ها و تنگناهای فعالیت‌های دانشگاهی، الیاس، ناگریز به جلالی وطن شد و در سال 1933 به همراه جمعی از اندیشمندان یهودی از آلمان نازی مهاجرت کردند (تنهایی، 1394: 125). او ابتدا به سوئیس، بعد به فرانسه رفت و پس از 2 سال در پاییز سال 1935 به انگلستان پناهنده شد و در لندن زندگی حرفه‌ای و پربراری را آغاز کرد. او تا اوایل دهه‌ی 1960 در انگلستان ماند و به‌صورت ناشناخته به دانشکده‌ی اقتصاد لندن رفت (لالمان، 1394: 270).

این جامعه‌شناس کلاسیک بین سال‌های 1934-1935 مهم‌ترین اثر تحقیقاتی خود را در دو جلد تحت عنوان «در باب فرایند تمدن: پژوهش‌های اجتماعی و روان‌شناختی تکوینی» یا همان «فرایند متمدن شدن»<sup>3</sup> به رشته‌ی تحریر در آورد؛ الیاس، این اثر تحقیقاتی که مرجع مهمی در علم جامعه‌شناسی به‌ویژه جامعه‌شناسی پیکربندی به‌شمار می‌آید را در کتابخانه‌ی موزه‌ی بریتانیا نوشت (همان جایی که سال‌ها پیش کارل مارکس کتاب سرمایه<sup>4</sup> را در آن‌جا به رشته‌ی تحریر درآورد). الیاس، این کتاب را در دو جلد تدوین نمود؛ موضوع مجلد اول به تاریخ رفتارهای اجتماعی و تکامل اجتماعی اروپا دلالت داشته و از زندگی قرون وسطی تصویری ارائه داده و تغییرات تاریخی در رفتارها و الگوهای ناشایست اتفاق افتاده را مطرح و تبیین نمود (شهبازی و همکاران، 1395: 89). او این کتاب را در سال 1939 در سوئیس به چاپ رساند. او در آن کتاب به تحلیل تاریخی تمدن اروپا و رشد و تحول ساختار شخصیت بشری پرداخت. کتابی که در آن ایام مورد توجه قرار نگرفت و هیچ ارزش مادی و معنوی برای نگارنده‌اش به همراه نداشت. به هر تقدیر، شاید از تأثیرگذارترین وقایع زندگی این فیلسوف آلمانی که بر اندیشه و آثارش تأثیر عمیقی گذاشت، بتوان به دستگیری مادرش به‌وسیله‌ی نازی‌ها در سال 1937 و تبعید او به اردوگاه مخوف کار اجباری «آشویتس»<sup>5</sup> در لهستان و نهایتاً مرگ مادر در آن اردوگاه در سال 1940 اشاره کرد (استونز، 1379: 213)، که این تروما و شوک هولناک تا حد زیادی اندیشه‌های الیاس را تحت تأثیر قرار داده و به‌عنوان نقطه‌ی عطفی در زندگی

۱. Human court

۲. Society court

۳. The civilizing process

۴. capital

۵. Auschwitz

وی به‌شمار می‌آید. این رویداد سنگین به همراه تظاهرات پرخاشگری و خشونت در جامعه‌ی متمدن اروپا، بعدها هسته‌ی اصلی آراء و اندیشه‌های او را تشکیل داد (الیاس، 1400: 10).

در هر حال، این جامعه‌شناس تاریخی که نسبتاً دیر به شهرت جهانی دست یافت، در سال 1640 به دانشکده‌ی اقتصاد لندن و سپس به کمبریج و دانشگاه لیستر<sup>۱</sup> رفت، اما تا زمان بازنشستگی به مقام دانشگاهی دست نیافت (کریگان، 1395: 46-45). او در سال 1954 در سن 57 سالگی زندگی حرفه‌ای و دانشگاهی رسمی را آغاز کرد و در دانشگاه لیستر انگلستان به سمت دانشیاری منصوب شد. در سال 1962 از این دانشگاه بازنشسته شد و سپس به آفریقا رفت و در دانشگاه غنا در آکرا<sup>۲</sup> به مدت دو سال فعالیت نمود و مجدداً به دانشگاه لیستر بازگشت (کسلر، 1394: 291-290). پس از بازگشت با همکاری اریک دانینگ<sup>۳</sup> به مطالعه‌ی جامعه‌شناسی ورزش<sup>۴</sup> پرداخت و رویکرد نظری و علمی خود را در این حوزه معرفی و تثبیت نمود و مقالاتی از جمله «درباره‌ی ورزش» و «در جستجوی هیجان»<sup>۵</sup> را تدوین نمود. علاوه بر این مقالات، الیاس، آثار و تألیفات متعدد دیگری هم داشت، از جمله؛ جامعه‌ی درباری، فرایند متمدن شدن، تنهایی دم مرگ، در جستجوی هیجان، انجمن دیوان، چپستی جامعه‌شناسی؟، قدرت و مدنیت، تعهد و جدایی، مونتسارت جامعه‌شناسی یک نابغه، ورزش و تمدن، نوربرت الیاس به روایت خودش. اما آنچه مسلم است، اگرچه آثار و کارهای عمده‌ی این جامعه‌شناس خستگی‌ناپذیر در دهه‌ی 1930 نوشته شد، اما پس از حدود نیم قرن بعد و در اواخر عمرش او را به شهرت و آوازه‌ی جهانی رساندند. او در سال 1984 به آمستردام هلند رفت و سرانجام در اول اوت 1990 در سن 93 سالگی در آنجا درگذشت (طالب‌پور و قدیمی، 1397: 169).

### روش پژوهش

الیاس با همکاری اریک دانینگ به مطالعه‌ی جامعه‌شناسی ورزش<sup>۶</sup> با استفاده از روش تاریخی - اسنادی و پرداختن به بررسی و تحلیل تغییرات و تحولات ادوار گذشته اروپا از لابلای متون تاریخی غرب پرداخت و مقالاتی از جمله «درباره‌ی ورزش» و «در جستجوی هیجان»<sup>۷</sup> را تدوین نمود. علاوه بر این مقالات، الیاس، آثار و تألیفات متعدد دیگری هم داشت، از جمله؛ جامعه‌ی درباری،

۱. Leicester

۲. Accra

۳. E.Dunning

۴. social of sport

۵. Quest for Excitement

۶. social of sport

۷. Quest for Excitement

فرایند متمدن شدن، تنهایی دم مرگ، در جستجوی هیجان، انجمن دیوان، چستی جامعه‌شناسی؟، قدرت و مدنیت، تعهد و جدایی، موتسارت جامعه‌شناسی یک نابغه، ورزش و تمدن، نوربرت الیاس به روایت خودش. این جامعه‌شناس آلمانی با بهره‌گیری از تکنیک کتابخانه و آرشیو در صدد تبیین و تحلیل نقش و میزان تاثیرگذاری ورزش و بازی در گستره تغییرات و تحولات اجتماعی و فرهنگی اروپا بوده و کانون توجه وی بر روی نقش و کارکرد ورزش در فرایند متمدن شدن اروپا متمرکز بوده است. الیاس در این مطالعات تاریخی خود به دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی و فرهنگی بعضی از بازی‌ها و سرگرمی‌ها از دوران باستان و عهد عتیق تا قرون وسطی و عصر جدید پرداخته و معتقد بوده که نبردها و رقابت‌های تن به تن از زمان یونان باستان و جنگ گلادیاتورها در روم باستان و نبردهای مرگ‌بار آن‌ها تا بازی‌های خشن جوامع روستایی سده‌های میانی، بنا به دلایلی به تدریج خشونت‌شان وانهاده شد (قدیمی و همکاران، 1397: 133) و از خطرات جانی آن‌ها کاسته و خوی درندگی و پرخاشگری آن‌ها رفته‌رفته سرکوب شد و این تمایلات ویران‌گر، پنهان یا تعدیل گردید و نهایتاً در فرایند تغییرات و متمدن شدن اروپا نقش مؤثری داشته است.

## یافته‌ها

نوربرت الیاس، جامعه‌شناس کلاسیک آلمانی که در اواخر عمرش به حوزه‌ی ورزش و بازی‌ها کشیده شد، تلاش نمود تا از اوایل دهه‌ی 1970 دیدگاه‌های جامعه‌شناختی را به حوزه‌ی ورزش تعمیم دهد. او بر این باور بود که ورزش و بازی در جهت کمک به تحلیل‌های جامعه‌شناختی و غنی‌تر کردن این علم مؤثر هستند، تا آن‌جا که مصمم بود بنای جامعه‌شناسی خود را بر پایه‌ی ورزش و بازی‌ها بنیاد افکند؛ زیرا ورزش را دارای کارکردهای متنوع می‌پنداشت، به همین جهت، او ورزش را فراتر از ورزش می‌دانست.

الیاس به تبارشناسی و بررسی سیر تحول ورزش در ادوار گذشته، به‌ویژه قرون وسطی پرداخته و آن را مولود بازی‌هایی تلقی نموده که ماهیت آن در گذر زمان دچار دگرگونی شده و از بازی‌های سنتی و خشونت‌بار به ورزش‌های قاعده‌مند و صلح‌آمیز تبدیل شده‌اند. نهایتاً این دگرگونی موجب ایجاد و شکل‌گیری ورزش‌های مدرن شده و روند ورزشی‌شدن در جامعه‌ی انگلیس را فراهم نموده، تا آن‌جا که به باور او، این فرایند ورزشی‌شدن جامعه، باعث تشکیل و شکوفایی رژیم پارلمانیته در این کشور شده و بدین‌وسیله گام بلندی در راستای متمدن‌شدن انگلستان برداشته شد. در هر حال، نوربرت الیاس در سال 1964 پس از بازنشستگی به دانشگاه لیستر<sup>1</sup> رفت و با همکاری اریک دانتینگ،

1. Leicester

مطالعات و پژوهش‌های خود را بر جامعه‌شناسی ورزش متمرکز نمودند. آن‌ها در صدد برآمدند تا با الهام از روژه کایووا<sup>۱</sup>، بنای یک جامعه‌شناسی را بر پایه‌ی ورزش بگذارند (دوفرانس، 1385: 151). این دو اندیشمند تلاش نمودند تا دیدگاه‌های جامعه‌شناختی را در حوزه‌ی ورزش تعمیم داده و رویکردهای علمی و نظری خودشان را در این حوزه معرفی و تثبیت نمایند، لذا مهم‌ترین تألیف مشترکشان را در این زمینه تحت عنوان «در جستجوی هیجان»<sup>۲</sup> نگاشتند (جیولیوتونی، 1391: 209). آن‌ها معتقد بودند که فرهنگ‌ها، فنون بدن خاص خود را دارند و هویت برای اعضای جامعه فراهم می‌کنند. به اعتقاد ایشان تفاوت‌های بدنی از لحاظ تاریخی و میان فرهنگی به وضوح قابل مشاهده است (شیلینگ، 1400: 73). از همین روی، نخستین تحقیقات این دو صاحب‌نظر حوزه‌ی ورزش بر بعد فرهنگی و تغییرپذیری تاریخی ورزش به‌عنوان یکی از مصادیق بارز فنون بدن و حرکات کالبدی تأکید داشت.

مؤلفان با تمرکز روی لذت‌جویی در سرگرمی‌ها و آن‌گاه، جستجوی فراغت در وقت آزاد، به این نتیجه رسیدند که در بازی و ورزش‌ها، تنش‌ها و هیجان‌های مثبتی وجود دارد که امکان می‌دهند تا احساسات به طرز صلح‌آمیز تخلیه شوند (الیاس و دونینگ، 1986: 127). از چشم‌انداز آن‌ها، بازی‌ها و ورزش‌ها مدخل مناسبی برای تحلیل ساختارهای حاکم بر جامعه و در جهت کمک به تحلیل‌های جامعه‌شناسی و غنی‌ترین کردن این علم هستند. آن‌گاه آن‌ها درباره‌ی ورزش و رابطه‌اش با خشونت مطالعه و تحقیقاتی را انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که این پدیده‌ها وسیله‌ی ممتازی به‌منظور تنظیم خشونت و پرخاشگری به‌شمار می‌آیند (سیفی و همکاران، 1399: 23).

آن‌ها ورزش را از مهم‌ترین ابزار در فرایند متمدن‌شدن و گسترش تمدن‌ها دانسته و با بهره‌گیری از این پدیده‌ی اجتماعی و فرهنگی تلاش نمودند تا الگوی نظری جامعه‌شناختی جهت شناخت بهتر ساختارهای اجتماعی حاکم بر جامعه را طراحی و ارائه نمایند. در این راستا، الیاس ورزش را کلید شناخت جوامع می‌دانست (دوفرانس، 1385: 149) و دیدگاه مثبت و غیرانتقادی به آن داشت و از اوایل دهه‌ی 1970، رهیافت جامعه‌شناختی ورزش گرفت و بنای جامعه‌شناسی خود را بر پایه‌ی ورزش و بازی قرار داد. او به تشریح تغییرات اجتماعی که تحول بسیاری از بازی‌ها و سرگرمی‌ها را از دوران باستان تا قرون وسطی به سمت شیوه‌های ورزشی مدرن کشانده بود، پرداخت و اعتقاد داشت که ورزش در همه‌ی فرهنگ‌های باستان تاکنون وجود داشته است. وی بر این باور بود، هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی، تخلیه‌ی کنترل‌شده‌ی احساسات، از کارکردهای

۱. R. Caillois

۲. Quest for excitement

اساسی ورزش در تمدن غربی بوده است (اباذری، 1381: 19). بنابراین، او بر آن بود که ورزش، مرتبط با فرایندهای اجتماعی و در جهت کمک به جامعه‌شناسی قدم بر می‌دارد.

تبارشناسی اندیشه‌های اجتماعی الیاس:

کاربست و شالوده‌ی نظریه‌ها و اندیشه‌های الیاس، دلالت بر کشف علل تغییر در رفتار و هنجارهای اروپائیان و چگونگی پیدایش تمدن مدرن و جوامع غربی معاصر داشت که در این راستا، از آراء و نظریات کنت، دورکیم، زیمل، مارکس، وبر و فروید، به‌ویژه جهت تلفیق دو سطح نظری خرد و کلان استفاده نمود (ابوالحسن تنهایی، 1394: 127). با این حال، قلمرو مطالعات و تحقیقات او از جامعه‌شناسی معرفت تا جامعه‌شناسی فرهنگ، از تبیین فاجعه در آلمان نازی تا ابهاماتی در جامعه‌ی جهانی، از پژوهش در قرون وسطی تا تحلیل جامعه و دربار لویی چهاردهم، از واکاوی شهری تا جامعه‌شناسی ورزش و اوقات فراغت، از آداب غذا خوردن و معاشرت کردن تا بازی فوتبال و بوکس گسترده شده بود. اما آنچه مسلم است، او موضوع تمدن<sup>1</sup> را به‌عنوان کانون توجه اصلی‌ترین کار خود قرار داد و بنیان تحقیقاتش در کتاب «فرایند متمدن شدن» ظهور کرد (مهرآئین، 1395: 208).

الیاس در این اثر از روند دولت‌سازی در جوامع اروپائی، از اوایل سده‌ی میانی و دوران فئودالیتته شروع و به تبیین سیر تحول اروپای قرون وسطی، تا روزگار معاصر پرداخته و در جستجوی چگونگی و چرایی دگرگونی‌ها و تغییرات جریان تمدن بوده است. او در پی کشف فرایند تمدن و طرح مدل نظری دگرگونی‌های درازمدت و بررسی تأثیرات و محرک‌ها بوده و هرچند که تحلیل خود را از قرون وسطی آغاز نموده، اما بر این نکته تأکید دارد که برای توسعه و رشد تمدن، نمی‌توان هیچ نقطه‌ی آغاز یا پایانی متصور شد. بدین معنا که ردپای تمدن در تاریخ را می‌توان تا زمان‌های باستان هم مشاهده و ردیابی کرد و در روزگار معاصر پی گرفت و تا آینده‌ی بی‌انتهای ادامه داد (ریتزر و گودمن، 1392: 559). بنابراین، او نتیجه می‌گیرد که تعیین آغاز و انتهای تمدن و فرایند متمدن شدن، کار دشواری است.

الیاس، علت تغییر در رفتار و انتظارات اخلاقی و تحولات اروپا از قرون وسطی تاکنون را نه براساس ملاحظات عقلانی، برنامه‌ریزی‌شده و آگاهانه بلکه ناآگاهانه، بی‌برنامه و براساس احساسات، عواطف و ناخوشایندی‌ها می‌داند. از منظر وی دگرگونی‌های اجتماعی درازمدت، بدون برنامه و بی‌هدف ایجاد شده و اساساً محصول زندگی انسان‌ها با یکدیگر هستند (الیاس، 1393: 289). او تغییر رفتار انسان و حساسیت‌های او را بخشی از فرایند تمدن می‌داند (کسلر، 1394: 291). این

۱. civilization



جامعه‌شناس آلمانی با الهام از نوشته‌های آراسموس، مسیر تحول و تغییرات تدریجی آداب معاشرت و نظام ارزشی اروپا را دنبال کرد و معتقد بود که تمدن از تبدیل درازمدت اجباری بیرونی به الزام درونی آغاز شده است؛ یا به عبارت دیگر، تمدن از گذر درونی‌سازی فشارهای اجتماعی و خودکنترلی ساقه‌ها، تحت تأثیر تغییرات اجتماعی ناشی از شکل‌گیری دولت و درباری‌شدن نخبگان است (هنیش، 1398: 35). از این روی، او تنها به واکاوی فرایند تمدن و بررسی روند تحول اجتماعی نپرداخته، بلکه دسترسی روانکاوانه به روان کسانی که سازنده‌ی این روند بودند، را هم در دستور کار خود داشت (الیاس، 1400: 19).

در واقع کتاب فرایند متمدن‌شدن، اهمیت اجتماعی و فرهنگی بازی و ورزش را بیش از پیش آشکار ساخت و بازی را به‌عنوان یک قیاس در نظر گرفت. او در این کتاب، این پدیده‌ها را یک فرایند اجتماعی‌شدن قلمداد نمود (شهبازی و همکاران، 1395: 89). مضاف بر این، الیاس در کتاب جامعه‌ی درباری، در تحلیل جریان شکل‌گیری و قوام جامعه‌ی درباری و نخبگان دولت در فرانسه به این نتیجه رسید که فرایند تغییر تدریجی اشراف جنگجو و مالک، عمدتاً وابسته به اقتصاد کشاورزی و پولی و با برنامه نبوده، بلکه محصول مناسبات دوگانه‌ی میان اشراف و پادشاه بوده است (کسلر، 1394: 288).

وی از دیگر علل اساسی تمدن و متمدن‌شدن در اروپا را ظهور پادشاه و دربار می‌دانست و معتقد بود که دگرگونی‌ها نخست در این مکان اتفاق افتاده است. او در کتاب جامعه‌ی درباری می‌آورد: «تشریفات درباری زنجیره‌ای می‌سازد که شاه را بی‌رحمانه در قید ماشین اجتماعی می‌گذارد» (الیاس، 1969: 142) و سپس دامنه‌ی این تغییرات به کل جامعه کشیده و فراگیر شده است. او ظهور پادشاه خورشید؛ لویی چهاردهم و دربار را موجب تغییر جنگاوری به درباری یا درباری‌شدن<sup>۱</sup> که گام بلندی در فرایند تمدن‌سازی بوده، می‌داند (الیاس، 1393: 298).

از چشم‌انداز او، درباریان و اشراف‌زادگان مصمم بودند که نباید به خشونت متوسل شوند و شاهان، نظارت روزافزونی را برای ابراز خشونت اعمال می‌کردند. هرچند که شاه، خودش نیز زندانی این تشریفات و خویشن‌داری بود (هنیش، 1398: 29). بدین واسطه، خشونت در دربار با خود ناظری مهار شد و در انحصار افراد کمتری قرار گرفت (الیاس، 1939: 239). درواقع، کسانی که قادر به تعدیل رفتار خود به رفتارهای متمدنانه بودند، از برتری و مزیت‌هایی برخوردار شدند و کنترل اجتماعی در ژرفنای ساختاری روانی و ضمیر ناخودآگاه آن‌ها تثبیت شد. از این روی، الیاس، فرایندهای اجتماعی و روانی را در یک رابطه‌ی دوسویه با یکدیگر می‌داند (استونز، 1379: 220). به

۱. courtization

همین جهت، الیاس، جامعه‌ی درباری را شکل مهمی از سازمان اجتماعی و به‌عنوان هسته‌ی اصلی تشکیل‌دهنده‌ی روابط اجتماعی خاص در اروپا در نظر می‌گیرد که بسیاری از ویژگی‌ها و اشکال آن در جامعه‌ی امروزی ادامه یافته است (الیاس، 1969: 128). به زعم وی عناصر مهم جامعه‌ی درباری و به‌دنبال آن، شکل‌گیری حکومت‌ها به‌شدت با کنترل جسمانی محدودکننده در رابطه است (جیولیونوتی، 1391: 213). به نظر الیاس خودناظری در این ایام رشد پیوسته و پایدارتری کرد و بیش از پیش بر ابعاد دگرگونی زندگی مردم تأثیر گذاشت. افراد نظارت بی‌وقفه‌ای را بر رفتار خود آموختند و بدین ترتیب کمتر خود را اسیر امیال شخصی نمودند (الیاس، 1939: 241).

الیاس، این تغییر رفتار و اخلاق را که موجب دگرگونی در سبک زندگی و اعمال و رفتار مردم و درباریان شد را درباری‌شدن تلقی نمود که در این میان، آستانه‌ی نفرت و انزجار و همچنین شرمساری و خجالت نسبت به رفتارهای زیستی که افراد انجام می‌دادند، بالا رفت و اعمال ناخوشایند و خارج از نزاکت و ادب به پشت صحنه‌ی زندگی اجتماعی رانده شد (الیاس، 1393: 366). بنابراین، ویژگی اصلی فرایند متمدن‌شدن در غرب به‌نظر الیاس، این بود که افراد به‌تدریج در اعمال و رفتارشان خویشتن‌داری بیشتری را به‌کار گرفتند (استونز، 1379: 218) و ملزم به خودالزامی و خودنظارتی شدند. در واقع، این دگرگونی‌ها و تغییرات که در درازمدت در ساختار روانی انسان‌ها تشکیل و در ضمیر ناخودآگاه آن‌ها ملکه شد، در کانون فرایند متمدن‌شدن قرار گرفت. نهایتاً دربار و جامعه به‌شدت قاعده‌مند شد، تا آن‌جا که افراد برای کسب مزایا و پرستیژ و حفظ موقعیت خود در سلسله مراتب اجتماعی با هم رقابت و مبارزه می‌کردند.

او این دگرگونی‌ها و تغییرات را نه امری بیرونی و تحمیلی، بلکه وضعیت‌های ناشی از تغییر روابط میان خود انسان‌ها می‌داند (کسلر، 1394: 293). به‌عبارت دیگر، فرایند تمدن غرب از نظر الیاس، در برگیرنده‌ی یک ثبات تدریجی در رفتار انسان بوده و ویژگی دیگر آن، کاستن از تضادها و افزایش چندگانگی‌ها است (استونز، 1379: 218). علاوه بر این‌ها، الیاس معتقد بود که در این میان، اجزای مهم دیگری در فرایند متمدن‌سازی بین فرایندهای اجتماعی و طبیعی مثل اوقات فراغت، بازی و ورزش هم نقش مؤثری داشته است. این فیلسوف و جامعه‌شناس کلاسیک که در اواخر عمرش به حوزه‌ی ورزش و اوقات فراغت کشیده شد، معتقد بود که ورزش به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی می‌تواند به‌خوبی خشونت‌هایی که ضدتمدن بوده و موجب آشفتنگی در جامعه می‌شود، را تعدیل نموده و مردم را به خویشتن‌داری فراخواند و زمینه‌های متمدن‌شدن را فراهم نماید (جوآنمرد، 1387: 146). او نهایتاً به کشف رابطه‌ی تنگاتنگی بین فرایند تمدن و شکل‌گیری دولت پارلمانیته در اروپا از یک‌سو و پدیده‌ی ورزش، به‌عنوان یک فرایند اجتماعی از سوی دیگر، ناظر آمد و بر جامعه‌شناسی ورزش متمرکز شد.

ورزش کلید شناخت جوامع: الیاس بر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی ورزش تأکید داشت و آن را کلید شناخت و فهم جوامع می‌پنداشت (بروتون، 1400: 31) و به همین جهت، رویکرد مثبتی به ورزش و بازی‌ها پیدا کرد و آن را در راستای یاری به تحلیل‌های جامعه‌شناسی به‌شمار می‌آورد. او این پدیده را الگویی کارآمد برای تحلیل تغییرات و تحولات جوامع و همچنین تحلیل ساختارهای اجتماعی و فرهنگی می‌دانست. مضاف بر این، الیاس ورزش را فراتر از ورزش و یک پدیده‌ی پیچیده با کارکردهای متنوع می‌دانست. او از جمله کارکردهای ورزش به موارد ذیل اشاره می‌کند:

1- ورزش و بازی، وسیله‌ی ممتازی برای تنظیم خودکنترلی و تعدیل خشونت به‌شمار می‌آید (طالب‌پور و قدیمی، 1397: 176). به اعتقاد الیاس فردگرایی فزاینده‌ی ورزش‌های مدرن بر بدن افراد تأثیر می‌گذارد و در نتیجه، کنترل احساس به درون افراد جامعه راه پیدا می‌کند (شیلینگ، 1400: 252)، زیرا تمرین‌ها و فعالیت‌های جسمانی هر سبزی بدن را روی صحنه می‌آورد و آن را قانونمند و صلح‌آمیز می‌نماید. به نظر او، این پدیده هم می‌تواند احساسات و هیجانات را تعدیل و تسکین دهد و هم قادر به برانگیختن و بسط هیجاناتی است که مردم آن را بدون خطر و ریسک تجربه کنند.

2- با ورزش و بازی می‌توان شیوه‌های کنش و کنش‌های متقابل جدید و بهنجاری را ایجاد کرد. الیاس این موضوع را از مارسل موس<sup>1</sup> به‌عنوان مفهوم عادت‌وارده<sup>2</sup> به عاریت گرفت (نوابخش و جوانمرد، 1388: 139) و بر آن بود که در اروپا قشرهای اجتماعی مرفه با تکیه بر رفتارهای ورزشی تلاش نمودند تا شیوه‌ها و الگوهای کنشی نوینی را باب کنند.

3- بازی و ورزش در قاموس الیاس ابزار اجتماعی‌شدن<sup>3</sup> و تربیتی مناسبی است، که به درک وابستگی بازیکنان به یکدیگر کمک کرده و آن‌ها را به شناخت و فهم پیرامونشان یاری می‌رساند و روابط اجتماعی را برایشان تسهیل می‌نماید.

4- بازی و ورزش نشان‌گر ساختارهای پنهان و نهان و همچنین موید وضع اجتماعی و فرایندهای همکاری و تعارضات در جامعه هستند.

5- از منظر الیاس نظام پارلمانیزم در انگلستان مقارن با ورزشی‌شدن جامعه‌ی فئودال بود. بنابراین، او بین این دو واقعه ارتباط معنادار و مستقیمی را کشف کرد و نتیجه گرفت، از مهم‌ترین کارکردهای ورزش، همانا تمدن‌سازی و گسترش آن است. بدین‌سان، از منظر الیاس، ورزش

۱. M.Mouss

۲. Habitus

۳. socialization

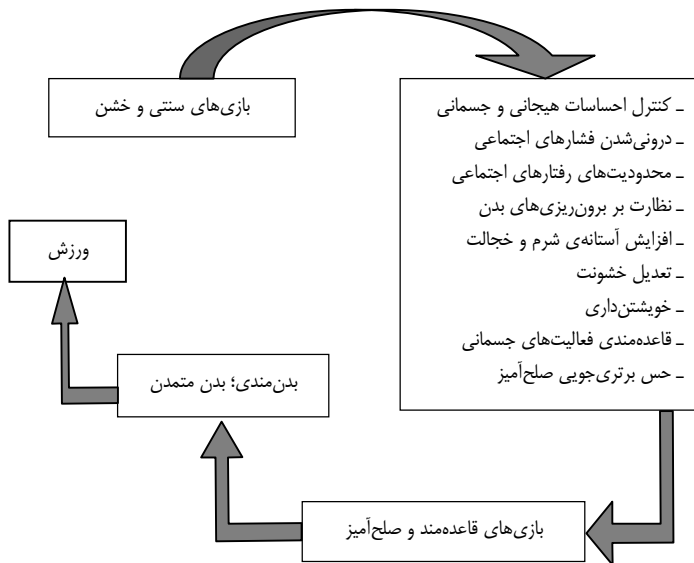
بهترین محمل برای این تحول فرهیختگی است که فشارهای بیرونی ناظر به مهار کردن خشونت را به سازوکار کنترل از درون افراد مبدل می‌کند (هنیش، 1398: 57).

ورزش شاخص تحولات و تغییرات اجتماعی: نخستین تحقیقات الیاس و دانینگ بر بعد فرهنگی و تغییرپذیری تاریخی ورزش تأکید داشت. آن‌ها با چشم‌انداز پویانگرانه به ویژگی‌های اصیل و دگرگون‌شده‌ی این پدیده در مقایسه با بازی‌ها و تمرین‌های بدنی ادوار گذشته اصرار ورزیدند. در این میان، الیاس ورزش را مولود بازی‌ها می‌دانست که با جدا شدن از بازی‌های سنتی و خشن به‌عنوان یک بازی جدی و قانونمند مطرح شد و در طول تاریخ ماهیت متفاوتی پیدا کرد (الیاس و دانینگ، 1986: 57). به‌زعم وی، از قرن هفدهم به بعد در انگلستان، بازی‌ها و رویدادهای ورزشی نسبت به گذشته تغییرات چشم‌گیری پیدا کرده، قوانین و قراردادهای خاصی در بازی‌ها ایجاد شده، انضباط فردی و اجتماعی افزایش یافته و در مقابل پرخاشگری و خشونت‌های اجتماعی کاهش یافته؛ در واقع فرایند ورزشی‌سازی در جامعه شکل گرفته است (شهبازی و همکاران، 1395: 89-90).

این جامعه‌شناس کلاسیک، ورزش را یک بازی با دستمایه‌ی فعالیت‌های عقلانی، قاعده‌مند و در راستای کسب مهارت‌های روزافزون می‌دانست و معتقد بود که ورزش زمانی پا به عرصه‌ی زندگی اجتماعی گذاشت که تا حدود زیادی امور و پدیده‌هایی مثل خشونت، پرخاشگری و ویران‌گری تحت کنترل انسان در آمد. از این روی، او ورزش را محمل مناسبی برای تعدیل و سرکوب خشونت‌های فیزیکی قلمداد نمود. به اعتقاد او، کارهای خشنی که در قدیم مجاز شمرده می‌شدند، امروزه به پشت‌صحنه‌ی زندگی رانده شده‌اند (نوابخش و جوانمرد، 1388: 138). الیاس معتقد بود مفهوم ورزش، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های انسان را در بر می‌گیرد که گاهی ویژگی‌های آن ضد و نقیص است؛ به‌طوری‌که او ورزش را بازی جدی و قاعده‌مند و در عین حال، سرگرمی و تفریحی جهت اوقات فراغت می‌دانست. او ورزش را فعالیت‌های قراردادی می‌پنداشت که قواعد آن قابل تجدیدنظر در زمان بود.

الیاس ورزش را یک فعالیت حرفه‌ای و تمرین نظام‌مند برای رقابت میان حریفان و میل دایمی به افزایش توانایی و مهارت‌ها می‌دانست. از چشم‌انداز او، ورزش به مثابه صورتی از نبردها و مبارزاتی است که بدون ریسک و خطر و یا وارد کردن شوک می‌تواند، لذت‌بخش و جذاب باشد. او ورزش را به‌عنوان روزه‌ای برای احساسات سرکوب‌شده‌ای می‌دانست که آدمی نمی‌تواند آن‌ها را از طریق دیگری در جنبه‌های عادی زندگی اجتماعی بروز دهد. از همین روی الیاس معتقد بود که ورزش، پدیده‌ای ضدخشونت و پرخاشگری است. او ورزش را جایگزین مناسبی برای هیجانانگیز و خلق و خوی ویران‌گر و سرکوب‌کننده می‌دانست. وی همچنین ورزش را وسیله‌ای ممتاز در جهت تنظیم و تعدیل

منازعات و تجاوزات قلمداد نمود و بر آن بود که ورزش می‌تواند هر جدال و ستیزه‌ی جسمانی را روی صحنه پدیدار نموده و آن را قاعده‌مند و صلح‌آمیز کند. به عبارت دیگر، الیاس ورزش را از بطن بازی‌های خشنی می‌پندارد که در چارچوب قوانین و مقرراتی از خشونت دور شده و رویکردی برتری‌جویانه، اما صلح‌آمیز گرفتند و اصطلاحاً بدن‌مند<sup>۱</sup> شدند و به تبع این امر، به تدریج، ورزش‌های مدرن شکل گرفتند.



شکل (۱): فرایند تبدیل بازی‌های خشن به ورزش از دیدگاه الیاس

به هر تقدیر، الیاس معتقد بود که بازی‌ها به‌ویژه بازی‌های سنتی و خشن، به تدریج به صورت نبردی قاعده‌مند و به دور از خشونت، همراه با احساس موفقیت و برتری‌جویی صلح‌آمیز درآمد و به دنبال آن پدیده‌ی ورزش بروز و ظهور می‌کند. به اعتقاد او، در این میان فشارهای اجتماعی در افراد درونی‌شده<sup>۲</sup> و محدودیت‌های رفتارهای اجتماعی موجب تعدیل خشونت و پرخاشگری گردیده، احساسات درونی به‌ویژه احساسات هیجانی و جسمانی کنترل شده، انسان بر برون‌ریزی‌های بدن نظارت نموده و با افزایش آستانه‌ی شرم و خجالت، خودنظارتی<sup>۳</sup> به وجود آمد و نتیجه‌ی آن، بدن‌مندی و نهایتاً ورزش بود.

۱. corporeite

۲. Internalization

۳. Self control

بازی و مدل‌های آن: الیاس در سال 1970 در فصل سوم کتاب «چیستی جامعه‌شناسی؟» به بحث بازی و مدل‌های بازی پرداخته و همانند سایر پیشقراولان جامعه‌شناسی ورزش از جمله مارسل موس<sup>1</sup>، کایووا<sup>2</sup>، و هویزینگا<sup>3</sup> بازی را پدیده‌ی فرهنگی و اجتماعی مهمی تلقی نموده و زندگی اجتماعی را به نوعی بازی دانسته و بر آن بود که جهان یک بازی بزرگ است و در ابتدا همه چیز بازی بوده است.

به‌زعم این جامعه‌شناس آلمانی، بازی پدیده‌ای جهت تسهیل ارتباطات اجتماعی و نشان‌گر وارد شدن انسان در شبکه‌های روابط اجتماعی است (قدیمی و همکاران، 1397: 138). به اعتقاد او، بازی یک فرایند اجتماعی<sup>4</sup> است که الگو و مدل مناسبی برای تحلیل‌های جامعه‌شناختی به‌شمار می‌آید. بنابراین، الیاس در مطالعاتش از بازی به‌عنوان ابزاری برای تحلیل و تبیین ساختارهای اجتماعی جامعه بهره گرفت (دوفرانس، 1385: 150). زیرا معتقد بود که در بازی و همه‌ی مدل‌های آن، اصولاً بازیگران همیشه وابستگی متقابلی به یکدیگر دارند و با تحلیل آن‌ها می‌توان به ساختارکنشی آن‌ها دست یافت (استونز، 1379: 223).

او با سنخ‌شناسی انواع بازی‌ها به طرح و ارائه مدل‌های متنوعی از بازی‌ها در راستای تحلیل و شناخت مفاهیم کلیدی خود به‌ویژه تلفیق دو سطح خرد و کلان، جامعه‌شناسی پیکربندی یا تجسمی<sup>5</sup> و روابط قدرت پرداخته است (طالب‌پور و قدیمی، 1397: 172) و بر آن است که بازی به درک دیالکتیک قدرت کمک می‌کند. از سوی دیگر، الیاس، بازی و مدل‌های بازی<sup>6</sup> را الگوی مناسبی از پویایی گروه‌ها در بسیاری از حوزه‌ها می‌داند (الیاس، 1978: 26). او این مدل‌ها را ناظر بر زندگی اجتماعی انسان‌ها دانسته که روابط انسانی را شکل داده و نشانگر ارتباطات اجتماعی و حکایت از وارد شدن افراد در شبکه‌های ارتباطی دارد. الیاس از مدل بازی‌ها برای تحلیل پیکربندی بهره گرفت که یکی از ستون‌های اصلی جامعه‌شناسی اوست.

به اعتقاد او، یک بازی در واقع چیزی جز پیکربندی خاص نیست که افراد در آن در روابط وابستگی متقابل با اعمال‌شان به آن‌ها معنا می‌دهند (هنیش، 1389: 125). به اعتقاد وی، مدل‌های بازی، پدیده‌های اجتماعی خُرد در بنیاد طبیعی زندگی هستند که به تلفیق دو سطح جامعه‌شناسی

۱. M.mouse

۲. R.Caillois

۳. Huizinge

۴. Social process

۵. Sociocology of figurational

۶. Game models

خُرد و کلان یاری رسانده و از ابطال دوگانگی بین افراد و جامعه ممانعت می‌نماید و این امر نشان‌گر نادرستی تمایز بین فرد و جامعه است.

الیاس مدل‌های بازی را مدل‌هایی می‌داند که از روابط قاعده‌مندی پیروی نموده و الگوی مناسبی برای تحلیل‌های جامعه‌شناختی به‌شمار می‌آیند. مدلی که الیاس ارائه کرده یک بازی دونفره است. او شطرنج را مثال می‌زند که دو بازیکن با یکدیگر در حال رقابت هستند. یکی از بازیکنان بسیار قوی و حرفه‌ای و دیگری بازیکنی ضعیف و آماتور است. اگر چه بازیکن حرفه‌ای قادر است تا کنترل بازی و میدان را در اختیار خود بگیرد، اما بازیکن آماتور نیز می‌تواند مهره‌های خود را تغییر داده تا بازیکن رقیب و حرفه‌ای را ناگزیر به حرکت بر اساس اراده‌ی خود نماید. به‌عبارتی، منظور الیاس این است که بازیکنان همواره یک وابستگی متقابل نسبت به یکدیگر دارند. هر چقدر قدرت دو بازیکن نسبت به هم برابر باشد، در کنترل کردن شرایط بازی شانس کمتری خواهند داشت. به اعتقاد وی، توان این دو شطرنج‌باز، دیگر با هم نابرابر نخواهد بود و در نتیجه، حرکات به هم پیوند خورده؛ تا آن‌جا که هیچ کدام از این دو نفر پیش از این نقشه و طرحی برای آن نکشیده بودند (شهبازی و همکاران، 1395: 89). الیاس این مدل‌ها را به اشکال ذیل تقسیم‌بندی می‌کند:

الف) مدل پیش‌بازی: یک مدل ادغامی و درهم‌آمیختگی هنجارنیافته است و تا حدودی معرف یک وضعیت مرزی و نهایی است. مدلی که دلالت بر روابط تنظیم‌نشده بین انسان‌ها داشته و ناظر بر این است که هر رابطه‌ای بین انسان‌ها یک فرایند به‌شمار می‌آید و مبتنی بر فراگرد نبرد بین مرگ و زندگی دو گروه است که هر گروه تلاش می‌کند تا طرف مقابل را تزییف و نابود کند (الیاس، 1392: 116).

ب) مدل‌های بازی: این مدل‌ها دلالت بر خصلت فرایندی روابط متقابل وابسته میان انسان‌ها دارد و مشتمل بر انواع متعددی است:

- 1- مدل دو بازیگر حرفه‌ای قوی و آماتور ضعیف: این مدل ساده‌ترین نوع مدلی است که الیاس ارائه می‌کند. مانند شطرنج که فرض بر این است که مثلاً بازیگر مهره‌ی سفید فردی حرفه‌ای و قوی است، در حالی که، بازیگر مهره‌ی سیاه فردی آماتور و ضعیف است. بازیکن مهره‌ی سفید به نسبت زیادی روی بازیکن مهره‌ی سیاه کنترل دارد و می‌تواند تا حدود زیادی او را مجبور کند تا حرکات‌های خاصی را انجام دهد و به اصطلاح بر او اعمال قدرت کند. هرچند که بازیکن ضعیف مهره‌ی سیاه هم به میزان توان خود بر روی بازیکن قوی اعمال قدرت کرده و هرگز توان بازی او مساوی صفر نخواهد بود و حریف را به‌طور متقابل تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.
- 2- مدل دو بازیگر حرفه‌ای: در این مدل هر دو بازیگر، حرفه‌ای و قوی هستند و بر روی یکدیگر به صورت مساوی اعمال قدرت می‌کنند.

3- مدل یک بازیگر حرفه‌ای و چندین آماتور: در این مدل بازیگر حرفه‌ای و قوی باید به‌طور همزمان با چندین بازیگر ضعیف و آماتور بازی کند. در این مدل هر چقدر تعداد بازیگران بیشتر باشند، پیکربندی، پیچیده‌تر و بغرنج‌تر خواهد شد.

4- مدل دو تیم و گروهی از بازیکنان با توان برابر: این مدل از بازی‌ها بین دو تیم ورزشی که هر دو توان و قابلیت‌های برابری دارند، انجام می‌شود.

5- مدل چند قشری و شبکه‌ای: این مدل بازی ناظر بر چند قشر است که در شبکه‌ای در هم تنیده از بازیکنان انجام می‌شود (الیاس، 1392: 131-121).

جامعه و فرایند ورزشی شدن:

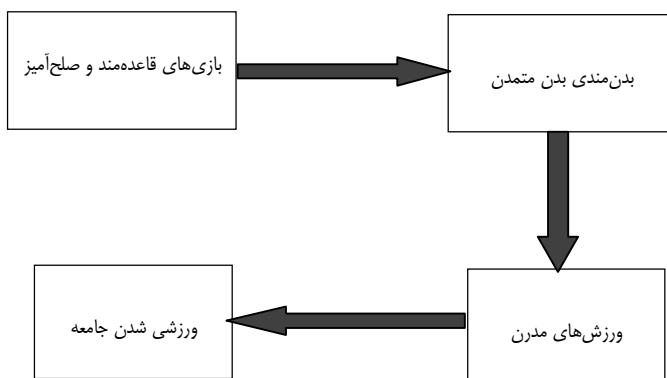
الیاس در مطالعات تاریخی خود به دگرگونی‌ها و تغییرات بعضی از بازی‌ها و سرگرمی‌ها از دوران باستان و عهد عتیق تا قرون وسطی و عصر جدید پرداخته و وجوه تمایز آن‌ها را با تمرینات و ورزش‌های جدید مشخص نموده و به این واقعیت رسید که نبردها و رقابت‌های تن به تن از زمان یونان باستان و جنگ گلادیاتورها در روم باستان و نبردهای مرگ‌بار آن‌ها تا بازی‌های خشن جوامع روستایی سده‌های میانی، بنا به دلایلی به تدریج خشونت‌شان وانهاده شد (قدیمی و همکاران، 1397: 133) و از خطرات جانی آن‌ها کاسته و خوی درندگی و پرخاشگری آن‌ها رفته‌رفته سرکوب شد و این تمایلات ویران‌گر، پنهان یا تعدیل گردید.

الیاس معتقد است در این شرایط، بدن روحیه‌ی خشونت‌بار خود را وا می‌نهد، تمایلات و هیجانان خود را کنترل نموده، خویشتن‌دار و عقلانی شده و درجه‌ی بالایی از نظارت و کنترل را بر احساسات خودش حاکم می‌کند. بدن کنش‌های خود و دیگران را مراقبت می‌نماید و قوانین تمایزبخشی را که برای رفتار در خور و شایسته در وضعیت‌های مختلف وضع شده را به‌خوبی درونی می‌کند و بدین‌وسیله، بدن از مرحله‌ی «بدن نامتمدن» با الگوهای رفتاری خشونت‌بار به مرحله‌ی «بدن متمدن» با درجه‌ی بالایی از کنترل بر احساسات و هیجانان و بدن‌مندی گذر می‌کند و خالق تاریخ و تمدن می‌شود (شیلینگ، 1400: 301). در این راستا، او بیشترین تفاوت فاحش در این زمینه را از نظر تاریخی تحمل خشونت فیزیکی در ورزش‌ها و بازی‌ها می‌داند (اباذری، 1381: 20) و استدلال می‌نماید که بازی‌ها و ورزش‌ها در انگلستان در فاصله‌ی قرن هجده و نوزده میلادی در انضباط و مقررات خاصی گرفتند و قاعده‌مند شدند. این چارچوب نهایتاً ورزش‌ها را به‌سوی رویارویی صلح‌آمیز و عاری از خشونت متمایل کرد و ورزش‌های مدرن به‌وجود آمدند.

ورزش‌های جدیدی که فرایند تخفیف و تعدیل خشونت به طرز محسوسی بازی‌های بدنی را به فعالیت‌های نمایشی، زیبا و جذاب مبدل نمود که طی آن بازیکنان و مشارکت‌کنندگان به دور از



هرگونه خشونت دیگری در ریسک و خطر نبودند و قواعد بازی به گونه‌ای تغییر کرد که ورزشکاران و تماشاگران دیگر طاقت دیدن به قتل رسیدن حریف و خون و خون‌ریزی در این صحنه‌های رقابتی را ندارند که الیاس به این روند «فرایند ورزشی‌شدن»<sup>۱</sup> یا «ورزشی‌سازی» اطلاق می‌نماید (هنیش، 1398: 57).



شکل (2): فرایند ورزشی‌شدن جامعه از دیدگاه الیاس

از چشم‌انداز الیاس ورزشی‌شدن بازی‌ها موجب ایجاد قوانین و مقررات در بازی‌ها گردیده که لازمه‌ی آن انضباط فردی و انزجار روزافزون نسبت به خشونت‌های اجتماعی بود (مهرآئین، 1395: 213). به اعتقاد او، ساختار مسابقات ورزشی نظم و انضباط را برای افراد شرکت‌کننده به همراه داشته که قبلاً فاقد این ویژگی‌ها بودند و این مهم در ساختارها و ابعاد دیگر جامعه هم به تدریج ایجاد شده و بر اساس این شاخص‌ها، اصطلاحاً پدیده‌ی ورزشی‌شدن در جامعه به وجود می‌آید.

الیاس به بازی‌های خشن همراه با خشونت مثل مشت‌زنی، فوتبال، راگی، کریکت و شکار روباه اشاره می‌کند که در فرایند ورزشی‌شدن ماهیت آن‌ها تغییر کرد (مجدالدین، 1383: 137). او به تشریح و تحلیل بازی شکار روباه در بریتانیای قرن هجده و نوزدهم می‌پردازد. بازی‌ای که مخصوص اشراف و طبقه‌ی زمین‌دار جامعه بود و آن‌ها از شکار و کشتن روباه لذت می‌بردند. این بازی در فرایند ورزشی‌شدن دستخوش دگرگونی گردیده و از خشونت آن کاسته شده، از سگ‌ها در شکار روباه استفاده کردند و بدین‌وسیله دست شکارچیان کمتر به خون روباه آلوده شد و به‌عنوان یک ورزش متمدن جایگزین لذت کشتن روباه توسط شکارچیان شد. به‌طوری‌که، آن‌چه قبل از این پیش‌درآمد،

۱. The sportizing process

یک لذت کشتن و خوردن حیوان شکار شده بود، تحت تأثیر این تحول خاص تبدیل به ورزشی برای لذت بردن و اوقات فراغت نجیب‌زادگان و اشراف زمین‌دار شد (الیاس، 1939: 228). الیاس همچنین به بازی «پانکراک» که ترکیبی از بوکس و کشتی و یا «پن‌کریشن»<sup>1</sup> در یونان باستان اشاره می‌کند که شکلی از خشونت و بی‌رحمی در مشت‌زنی را نشان می‌داد و به مرور ایام تعدیل شد و خشونت آن کم‌رنگ شد. او بر آن بود که در مشت‌زنی اعمال قوانین و مقرراتی خاص به‌ویژه قوانین «کوئیزی»<sup>2</sup> خشونت آن را کاهش داد. قوانینی که استفاده از دستکش بوکس را برای کاهش ضربه و جلوگیری از خونریزی پیشنهاد کرد و این ورزش را از پرخاشگری و اعمال خشونت به دفاع شخصی با رویکردی زیباشناختی تغییر داد (جیولیوتونی، 1391: 216). بدین ترتیب، این ورزش در قرن نوزدهم تحت تأثیر قوانین «کوئیزی» از خشونت دور شد و راه متمدن‌شدن را در پیش گرفت.

الیاس به تحلیل فوتبال هم پرداخته و معتقد بود که فوتبال در قرون وسطی تا اواخر قرن نوزدهم نوعی سرگرمی خشن و عوام‌پسند و یک بازی وحشیانه‌ی عامیانه، نه فقط مربوط به طبقه‌ی مرفه و جامعه‌ی انگلیس بود، بلکه مخصوص طبقه‌ی پایین و متوسط توده‌ها بود، که تحت کنترل حکومت نبود. این بازی در این ایام مخصوص توده‌ی مردم بی‌سواد و طبقات پایین جامعه به‌شمار می‌آمد و فاقد هرگونه قانونمندی رسمی در میدان بازی بود و تنها با رسوم محلی خود که وقوع خشونت را تسهیل می‌کردند، انجام می‌شد، نه بر اساس قوانین و قواعد مکتوب. از همین‌روی، این بازی اغلب با حرکات بدنی و آسیب‌های مرگ‌بار همراه بود که به‌تدریج مقررات رسمی و ازپیش تعیین‌شده‌ای پیدا کرد، تا آن‌که قاعده‌مند شد و بر پایه‌ی اصول بازی عادلانه و منصفانه و به دور از خشونت بنا نهاده شد و پای اشراف‌زادگان به این ورزش کشیده شد و در انحصار آن‌ها قرار گرفت، تا آن‌جا که در مدارس دولتی انگلیس به‌عنوان ورزش پسران مرسوم شد (الیاس، 1392: 136).

بنابراین، فرایند ورزشی‌شدن یا ورزشی‌سازی، گونه و نمونه‌ای دیگر از چارچوب تحلیل تاریخی الیاس است. این اندیشمند آلمانی و پیشقراول حوزه‌ی جامعه‌شناسی ورزش کوشید تا پدیده‌ی ورزش را در فرایند تکامل تاریخی اروپا در تمام تحلیل‌های تاریخی خود به‌کار گرفته و نقش و کارکرد ورزش را در ویژگی‌های رفتاری و عادت‌واره‌ی اروپائیان و سبک خردمندانه یا عقلانی زیستن آن‌ها که موجب کنترل خشونت، بروز احساسات و عواطف با آگاهی و عقلانیت تحلیل کند (ابوالحسن تنهایی، 1394: 133). در هر حال، الیاس، فرایند تاریخی ورزشی‌شدن را با چند سازوکار زیر در ارتباط می‌داند:

الف) لغو تفاوت‌های اجتماعی به نفع برابری فرصت‌ها بر اساس صلاحیت‌های ورزشی.

۱. pankration

۲. koeize

- (ب) ایجاد فضاهای تخصصی ورزشی مانند میدان‌ها و موقعیت‌های ورزشی.  
 (ج) برقراری زمان‌بندی مسابقات و رویدادهای ورزشی.  
 (د) یکسان‌سازی قواعد و مقررات ملی و بین‌المللی.  
 (و) افزایش اخلاق و فرهیختگی عقلایی در برابر کاهش خشونت و هیجانات (همان منابع: 134).

ورزش و فرایند متمدن شدن اروپا:

الیاس کتاب «فرایند متمدن شدن» را که از مهم‌ترین میراث جامعه‌شناختی وی به‌شمار می‌آید را در سال 1934 قبل از جنگ جهانی دوم در موزه‌ی بریتانیا به زبان آلمانی و با کمک‌هزینه‌ی یک بنیاد یهودی به مدت سه‌سال به رشته‌ی تحریر درآورد و در سال 1939 در شهر بال سوئیس منتشر کرد (هنیش، 1398: 15). او در این کتاب به بررسی روند تمدن و سیر تحول آداب و رسوم و تشکیل دولت در اروپای غربی از قرون وسطی تا قرن بیستم پرداخته و از چشم‌انداز ماکس وبر به تحلیل جامعه‌شناختی پیدایش و تطور دولت مدرن اروپا به‌ویژه انگلستان، فرانسه و آلمان مبادرت نموده و روند آهسته، ولی مداوم تمدن در اروپای قرن هیجده و نوزدهم را با توجه به گسترش طبقه‌ی متوسط و طبقه‌ی کارگر در شهرها مورد واکاوی قرار داد.

او در این فرایند از اهمیت و نقش ورزش به‌عنوان «روزنه‌ی اجتماعی»<sup>1</sup> سخن به میان می‌آورد و بر آن است که فرایند متمدن شدن بیانگر اهمیت اجتماعی و فرهنگی پدیده‌ی بازی و ورزش است، زیرا این روند شدیداً بر قاعده‌مندی و خویشتن‌داری بدن انسان‌ها استوار است (کریگان، 1395: 63). بنابراین، نظریه‌ی الیاس در خصوص روند متمدن‌سازی جوامع نشان‌دهنده‌ی وضعیت رفتار خشن و پرخاشگری است که در طول تاریخ به تعادل رسیده است (فاسمی و همکاران، 1388: 148). الیاس این کتاب را که مرجع مهمی در علم جامعه‌شناسی ورزش<sup>2</sup> و جامعه‌شناسی تجسمی<sup>3</sup> محسوب شد را در تبیین چگونگی ضوابط و قواعد مدرنیته با رویکرد خرد و کلان در دو جلد منتشر کرد. جلد اول که با رهیافت جامعه‌شناسی خرد همراه است، به کنترل بدنی و رفتارهای اجتماعی و تاریخ اشاره دارد (جیولیونوتی، 1391: 213) و به نقش و کارکرد ورزش و همچنین کنترل بدن در برابر خشونت در جامعه و تاریخ پوش‌های اجتماعی دلالت دارد (شهبازی و همکاران، 1395: 90).

الیاس، همچنین به تغییر رفتار طبقات سکولار بالای جامعه‌ی غرب و خشونت بدنی و رفتارهای اخلاقی از دوره‌ی رنسانس اشاره نموده و معتقد بود جوامع جدید باید بین بروز احساسات و

۱. Social cettel

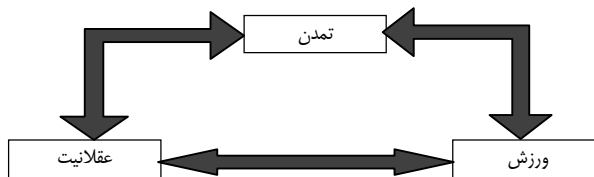
۲. Sociology of sport

۳. Sociology of figurative

هیجانان خوشایند در هنگام مشاهده‌ی رویدادهای ورزشی و خویش‌داری اجتماعی یکی را انتخاب نمایند (الیاس، 1986: 165). او با نگاه جامعه‌شناسی خرد فرایند تمدن را مستلزم افراد با درجه‌ی بالاتری از خودکنترلی جسمانی و هیجانی می‌دید و بر آن بود که برون‌ریزی‌های بدن به‌طور جد تحت کنترل در آمده و در این میان عملکرد افراد در درجات بیشتری از خود کنترلی احساس می‌شود (مهرآئین، 1395: 208).

از سوی دیگر، در این کتاب به محدودیت‌های روزافزون رفتارهای اجتماعی مثل روش‌های غذا خوردن، رفتارهای مربوط به اتاق خواب، پوشش انسان و بخصوص روابط جنسی پرداخته شده و در حوزه‌ی مناسبات جنسی شماری از قید و بندهای تمدن‌ساز که پیش‌تر بدیهی و ناگزیر به‌شمار می‌رفت، برچیده شد (الیاس، 1400: 65). نوربرت الیاس، همچنین از افزایش شرم و خجالت، نفرت و انزجار و خویش‌داری نسبت به خشونت و تجاوز در این ایام سخن به میان آورده است (جیولیونوتی، 1391: 213). علاوه بر آن، الیاس در جلد دوم این کتاب با توجه به دگرگونی‌ها و تحولات در کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه از قرون وسطی به بعد به موضوعات کلان جامعه‌شناسی مثل تغییرات اجتماعی، نهادها و ساختارها در جوامع غربی و تأثیر و نقش آن‌ها در شکل‌گیری حکومت‌ها و تمدن‌ها پرداخته و اعتقاد داشت که رشد اقتصادی، کارکرد پول در مناسبات اقتصادی و اجتماعی، تقسیم کار پیچیده در شکل‌گیری دولت‌ها و دموکراسی و ظهور کارکرد دموکراتیک در سطح کلان جامعه نقش داشته است (مهرآئین، 1395: 209).

الیاس در بخش دیگر از این کتاب به الهام از ماکس وبر، به ارتباط متقابل و دیالکتیک بین ورزش، عقلانیت و تمدن اشاره می‌کند (الیاس، 1393: 304). به نظر وبر، عقلانیت، نظامی از قوانین و مقررات را بر جامعه حاکم می‌کند (ابوالحسن تنهایی، 1400: 102). به اعتقاد الیاس، عقلانیت و ورزش در فرایند شکل‌گیری تمدن به‌تدریج افراد را مجبور به خویش‌داری و دوری از خشونت کرده و آن‌ها را به سعه‌ی صدر دعوت نموده است، زیرا خشونت جوامع را به آشفته‌گی کشانده و از تمدن دور می‌کند (جیولیونوتی، 1391: 214). این فرایند موجب پیدایش نظامی از گرایش‌ها و تمایلات پایدار و مستمر قابل انتقال در افراد می‌شود که میانجی بین فرد و جمع است و او آن را عادت‌واره می‌نامد (جوآنمرد و امیری مقدم، 1387: 3\_4).



شکل (3): رابطه متقابل ورزش، عقلانیت و تمدن از دیدگاه الیاس

## بحث و نتیجه‌گیری

الیاس با همکاری اریک دانیگ در کتابی با عنوان «ورزش و تمدن، خشونت مهارشده» در سال 1986 به اهمیت و کارکرد پدیده‌ی ورزش در دوری از رفتارهای خشونت‌آمیز و تعدیل این‌گونه از رفتارها در روند تمدن در اروپا پرداخته (هنیش، 1398: 56) و شکل‌گیری دولت پارلمانی را با دیگر فرایندهای اجتماعی به‌ویژه ورزش مرتبط دانسته و معتقد است که ورزش موجب ایجاد جهش ناگهانی در شکل‌گیری تمدن‌ها گردیده است. او به وضوح به کشف رابطه‌ی معناداری بین پیدایش ورزش و شکوفایی و گسترش رژیم پارلمانیته در انگلستان قرن هجدهم اذعان نموده (نوابخش و جوانمرد، 1388: 139) و بر آن است که ورزش خشونت‌هایی که ضدتمدن بوده و موجب آشفستگی و بی‌هنجاری<sup>1</sup> جامعه می‌شود را متعادل نموده و مردم را به دوری از پرخاشگری و خشونت فرا می‌خواند و خودکنترلی، سعه‌ی صدر و خویشتن‌داری آن‌ها را افزایش داده، تا آن‌جا که رفته‌رفته کنترل و نظارت جای خشونت و تجاوز را گرفته و پدیده‌ی بدن‌مندی<sup>2</sup> با چاشنی مدارا و تحمل شکل می‌گیرد و آن‌گاه به تبع آن فرایند تمدن بروز و ظهور می‌کند (برتون، 1400: 31).

بنابراین، الیاس در کتاب «فرایند متمدن‌شدن» نخست به تیبارشناسی محتوای بیرونی بدن پرداخته و به درونی‌شدن تدریجی فشارهای اجتماعی سخت‌گیرانه و به صلح‌آمیز شدن رسوم و اخلاقیات اشاره می‌کند و سپس به عادات بدنی و قاعده‌مندی فعالیت‌های جسمانی انسان روی می‌آورد و در زمینه‌ی شکل‌گیری بدنی که در برگزنده‌ی محدودیت‌های روزافزون رفتارهای اجتماعی است، به بحث می‌پردازد (کریگان، 1395: 47). اساسی‌ترین سخن الیاس در این کتاب این است که «آستانه‌ی خجالت و شرم»<sup>3</sup> به تدریج در انسان بالا رفته و آنچه مردم در قرن سیزدهم با کمترین خجالت انجام می‌دادند، در قرن نوزدهم مایه‌ی سرافکندگی و شرمساری آن‌ها شده و چیزی که امروز ناخوشایند و خارج از نزاکت تلقی می‌گردد، احتمالاً گذشت زمان آن‌ها را به پشت‌صحنه‌ی زندگی منتقل خواهد کرد (ریترز و گودمن، 1393: 560).

بنابراین، او تصویری از زندگی اجتماعی روزگاری را ارائه می‌دهد که رفتارهای ناشایست و ناخوشایند مطابق معیارهای امروزی غرب از جمله مشخصه‌های بارز آن به‌شمار می‌رود. وی به این واقعیت اشاره می‌کند که محدودیت‌های رفتاری که امروز آن را بدیهی می‌انگاریم، چگونه در طول زمان شکل و گسترش یافته‌اند. او در می‌یابد که به تدریج دامنه و ابعاد رو به تزایدی از رفتارهای

۱. anomie

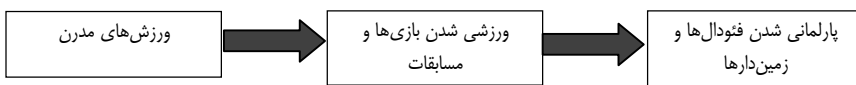
۲. Corporeite

۳. Threshad of embarrassment

انسانی، جلوه‌ی ناشایستی به خود گرفته و به پشت‌صحنه‌ی زندگی اجتماعی رانده می‌شود (استونز، 1379: 218).

این جامعه‌شناس کلاسیک حوزه‌ی ورزش معتقد بود، با توجه به خسارت‌های جانی و مالی غیرقابل‌جبرانی که برخی از درگیری‌ها و نزاع‌ها داشته و دولت‌ها از این چالش‌ها و منازعات همواره در مسیر تمدن رنج می‌بردند، لذا به دنبال یک پیمان و میثاق مستحکم و کارآمدی بودند که در این میان ورزش‌های مدرن ابزار مناسب و مؤثری به‌شمار می‌آمدند. در واقع، او اعتقاد داشت بین تمدن و کنترل خشونت رابطه‌ی معناداری وجود دارد و فرایند متمدن‌شدن بیانگر اهمیت اجتماعی و فرهنگی ورزش است (طالب‌پور و قدیمی، 1397: 181)، به طوری که او به این نتیجه رسید که ورزش‌های مدرن و جدید به خوبی توانسته‌اند خویشن‌داری و خودکنترلی را در افراد درونی کرده، خشونت را مهار نموده و بازی‌ها و ورزش‌های خشن و پربرخوردی مثل مشت‌زنی، فوتبال، راگی، کریکت و شکار روباه را تعدیل و قاعده‌مند نموده، اصطلاحاً پدیده‌ی بدن‌مندی را تقویت کرده تا فرایند ورزشی‌شدن در جامعه نهادینه شود، با تشکیل پارلمان در انگلستان مقدمات متمدن‌شدن<sup>1</sup> نیز فراهم گردد؛ لذا او تشکیل دولت پارلمانیته در بریتانیا را مصادف با فرایند ورزشی‌شدن در جامعه انگلیس می‌داند (مجدالدین، 1382: 143).

به عبارت دیگر، الیاس بر آن بود که پارلمانی کردن طبقات زمین‌دار و فئودال در بریتانیا مشابه ورزشی‌کردن بازی‌های سنتی و خشن بود. او این دو پدیده را در ارتباط تنگاتنگ و مستقیم با یکدیگر می‌دانست و معتقد بود که ورزشی‌شدن جامعه به وسیله‌ی ورزش‌های مدرن در انگلستان یکی از عوامل اصلی پارلمانیزم بوده است (الیاس و دونینگ، 1986: 151).

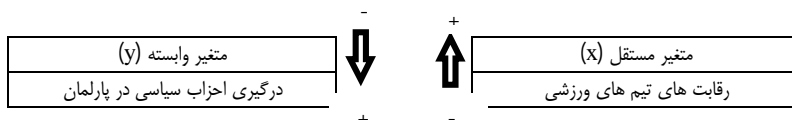


شکل (4): رابطه ورزشی‌شدن و پارلمانی‌شدن انگلستان از دیدگاه الیاس

به هر تقدیر، الیاس از پیشقراولان جامعه‌شناسی ورزش معتقد بود، بین ورزش و پارلمانیزم در انگلیس رابطه‌ی معنادار وجود دارد، به طوری که هر چقدر جامعه بیشتر ورزشی شود، به تبع آن نظام پارلمانیته شکوفاتر خواهد شد (الیاس، 1936: 514). البته او این ارتباط را همیشه مستقیم نمی‌داند، بلکه معتقد است، در پاره‌ای موارد این ارتباط و ضریب همبستگی معکوس اتفاق افتاده است (قاسمی

۱. sportization

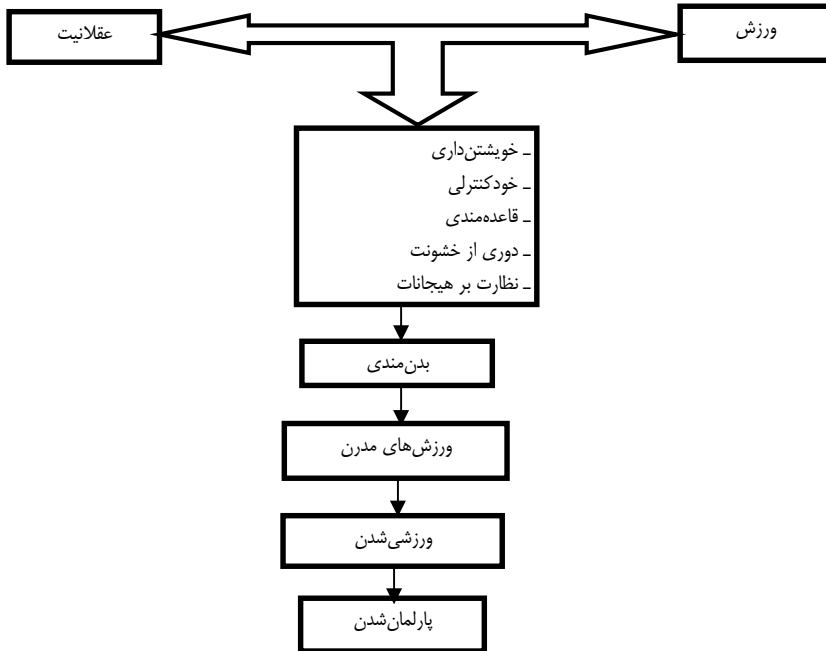
و همکاران، 1388: 149). به نحوی که، میان رقابت‌های تیم‌های ورزشی و درگیری‌ها و چالش‌های احزاب در پارلمان انگلیس رابطه‌ی معکوس وجود داشته است. او بر این باور بود، آن‌گاه که رقابت‌ها و نبردها بین کلوپ‌ها و تیم‌های ورزشی بالا می‌گرفت، در مقابل درگیری و نزاع در پارلمان کاهش می‌یافت (قدیمی، 1393: 90).



شکل (5): رابطه‌ی معکوس بین رقابت‌های ورزشی و چالش‌های پارلمان در انگلستان

بنابراین، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای الیاس در حوزه‌ی جامعه‌شناسی ورزش و در مطالعه‌ی تاریخ اجتماعی انگلستان قرن هیجدهم آن بود که نشان دهد، بین پیدایش ورزش‌های مدرن و شکل‌گیری فرایند ورزشی‌شدن جامعه و ایجاد و شکوفایی رژیم پارلمانیته رابطه‌ی معنادار و تنگاتنگی وجود دارد (دوفرانس، 1385: 150). به بیانی دیگر، ورزشی کردن اوقات فراغت سنتی ارتباط تنگاتنگی با استقرار رژیم پارلمانی در انگلستان دارد (ابوالحسن تنهایی، 1394: 133). جان کلام آن‌که، از چشم‌انداز الیاس ورزش در فرایند اجتماعی‌شدن<sup>1</sup> نقش مهمی ایفا کرده و موجب ایجاد جهش بلند و ناگهانی در شکل‌گیری تمدن‌ها شده است. او فرایند متمدن‌شدن را مستلزم ورزشی‌شدن جامعه با درجه‌ی بالایی از خودکنترلی جسمانی و هیجانی می‌داند (الیاس، 1986: 165).

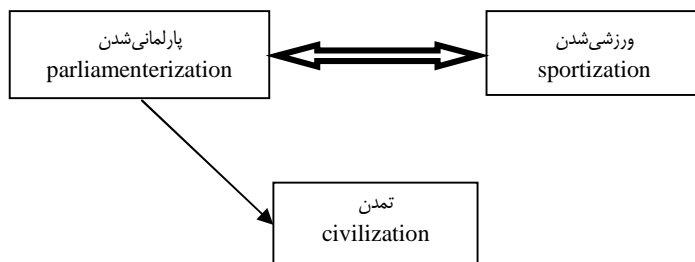
1. socialization



شکل (6): ورزش و فرایند متمدن‌شدن در انگلستان از دیدگاه الیاس

نتیجه و جان کلام آن که نوربرت الیاس ورزش را یکی از شاخص‌های تغییرات و تحولات جوامع و از مهم‌ترین ابزارهای شناخت و تحلیل ساختارهای حاکم بر جامعه می‌دانست و آن را مدل و مدخلی مناسب برای تبیین‌های جامعه‌شناختی و غنی‌تر شدن این علم تصور می‌کرد. به اعتقاد او، بازی و ورزش‌ها می‌توانند کمک قابل توجهی به جامعه‌شناسی کنند، زیرا او ورزش را کلید فهم جوامع می‌دانست. الیاس در مطالعات خود به‌ویژه در اواخر عمرش در اوائل دهه‌ی 1970 که به حوزه جامعه‌شناسی ورزش کشیده شد، یک سؤال بنیادی را مطرح نمود که آیا ورزش و بازی‌ها در تغییرات و تحولات اروپا به‌سوی متمدن‌شدن نقش داشته است؟ و پس از بررسی و مطالعات گسترده این پدیده‌ها را متغیرهای مستقل تأثیرگذاری در تغییرات و تحولات جوامع و ابزاری ممتاز در فرایند متمدن‌شدن و گسترش تمدن در اروپا دانست. از چشم‌انداز این جامعه‌شناس، پدیده ورزش آن‌گاه پا به عرصه‌ی زندگی اجتماعی انسان‌ها گذاشت که تا حدود زیادی رفتارهای ناشایست و ناخوشایند را به پشت‌صحنه‌ی زندگی راند، درواقع بدن را متمدن نمود، پرخاشگری و فعالیت‌های خشونت‌آمیز را کاهش داد و آن‌ها را به فعالیت‌های نمایشی، زیبا و جذاب بدل نمود، تا مشارکت‌کنندگان به دور از هر گونه ریسک و خطری این فعالیت‌ها را تجربه نمایند.





شکل (7): رابطه‌ی ورزش، پارلمان و تمدن از دیدگاه الیاس

الیاس، این دگرگونی‌ها در ماهیت ورزش را اصطلاحاً «ورزشی شدن» جامعه قلمداد نموده که موجبات ایجاد و شکل‌گیری ورزش‌های مدرن را فراهم کرده است. او این روند ورزش جدید را مقارن با تشکیل پارلمان در بریتانیا می‌داند و عقیده داشت که فرایند متمدن شدن جامعه‌ی انگلیس به‌عنوان یک متغیر وابسته (y) تحت تأثیر و مشروط به فرایند ورزشی شدن آن جامعه به‌عنوان متغیر مستقل (x) بوده است. بنابراین، الیاس تلاش نمود تا در حوزه‌ی جامعه‌شناسی ورزش این واقعیت را نشان دهد که ورزش‌ها به‌ویژه ورزش‌های مدرن و جدید در تغییرات جامعه غربی از جمله: تعدیل خشونت، تنظیم احساسات و هیجانات، خویشتن‌داری، خودکنترلی، تسهیل در روابط اجتماعی، فرایند اجتماعی شدن و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت سیاسی نقش مؤثری داشته است. الیاس در نهایت به این نتیجه رسید که بین پیدایش ورزش‌های مدرن و شکل‌گیری روند «ورزشی شدن» جامعه غرب با ایجاد و شکوفایی رژیم پارلمانیته انگلستان رابطه معنادار تنگاتنگ و مستقیمی وجود دارد که این فرایند «ورزشی شدن» گام بلندی در راستای تغییرات و دگرگونی‌های غرب و متمدن شدن جامعه اروپا بوده است.

## منابع و مأخذ:

- اباذری، یوسفعلی (1381)، نوربرت الیاس و فرایند متمدن شدن، نشریه نامه علوم اجتماعی، شماره پیاپی 19، بهار و تابستان، صص 19\_25.
- ابوالحسن تنهایی، حسین (1400)، دستگاه نظری وبر: تفسیرگرای اروپای، انتشارات اندیشه احسان، چاپ اول، تهران.
- ابوالحسن تنهایی، حسین (1394)، بازشناسی تحلیلی نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی، انتشارات بهمن برنا، چاپ اول، تهران.
- استونز، راب (1379)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میرداماد، نشر مرکز، چاپ اول، تهران.
- الیاس، نوربرت (1400)، تنهای دم مرگ، ترجمه امید مهرگان و صالح نجفی، انتشارات گام نو، چاپ هشتم، تهران.
- الیاس، نوربرت (1393)، در باب فرایند تمدن (بررسی‌های در تکوین جامعه‌شناختی و روانشناختی آن)، ترجمه غلامرضا خدیوی، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول، تهران.
- الیاس، نوربرت (1392)، چیستی جامعه‌شناسی؟ ترجمه غلامرضا خدیوی، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول، تهران.
- انور الخوای، امین (1397)، ورزش و جامعه، ترجمه حمیدرضا شیخی، انتشارات سمت، چاپ سوم، تهران.
- برتون، داوید. لو (1400)، جامعه‌شناسی بدن، ترجمه ناصر فکوهی، نشر ثالث، چاپ پنجم، تهران.
- پورابه، زان (1370)، تاریخ مردم‌شناسی، ترجمه پرویز امینی، انتشارات خردمند، چاپ اول، تهران.
- جوانمرد، کمال؛ نوابخش، مهرداد (1393)، بررسی جامعه‌شناختی کارکرد ورزش بر انسجام اجتماعی در ایران دهه هشتاد، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره 41، تابستان، صص 37\_54.
- جوانمرد، کمال؛ امیری مقدم، مرجان (1387)، بررسی عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر گرایش بانوان 18\_40 ساله شهر کرمان به ورزش در سال 1386، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی - اراک، سال دوم، شماره 6، پاییز، صص 1\_19.
- جیولیوتونی، ریچارد (1391)، نظریه‌های جامعه‌شناسی انتقادی ورزش، ترجمه افسانه توسلی، نشر علمی، چاپ اول، تهران.
- دوفرانس، ژاک (1385)، جامعه‌شناسی ورزش، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات توتیا، چاپ اول، تهران.
- ریتزر، جورج (1374)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ یازدهم، تهران.
- ریتزر، جورج؛ داگلاس گودمن (1393)، نظریه جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه خلیل میرزای و عباس لطفی‌زاده، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم، تهران.
- سیفی، حمید و همکاران (1399)، جامعه‌شناسی ورزش، انتشارات اندیشه احسان، چاپ اول، تهران.
- شهبازی، مهدی و همکاران (1395)، مبانی جامعه‌شناسی ورزش، انتشارات بامداد کتاب، چاپ دوم، تهران.
- شیلینگ، کریس (1400)، بدن و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن شهرکی، انتشارات انسان‌شناسی، چاپ اول، تهران.
- طالب‌پور، اکبر؛ قدیمی، بهرام (1397)، ورزش در نگاه نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول، تهران.
- فکوهی، ناصر (1398)، انسان‌شناسی: اندیشمندان، نظریه و کنش (مجموعه مقالات و گفتگو)، انتشارات اندیشه احسان، چاپ اول، تهران.
- فکوهی، ناصر (1385)، پاره‌های انسان‌شناسی، نشر نی، چاپ اول، تهران.

- قاسمی، وحیدی و همکاران (1388)، جامعه‌شناسی ورزش (وندالیسم و اوباشگری در ورزش فوتبال) انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول، تهران.
- قدیمی، بهرام و همکاران (1397)، نظریه‌های کلاسیک و مدرن در جامعه‌شناسی ورزشی، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول، تهران.
- قدیمی، بهرام (1393)، اصول و مکاتب جامعه‌شناسی ورزش، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول، تهران.
- کریگان، کیت (1395)، جامعه‌شناسی بدن (نظریه‌های مدرن، پست‌مدرن و پساساختارگرایی)، ترجمه حسن نصری راد، انتشارات نقش نگار، چاپ اول، تهران.
- کسلر، دیرک (1394)، نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک (جلد اول) ترجمه کرامت‌اله راسخ، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول، تهران.
- کواکلی، جی و همکاران (1399)، ورزش در جامعه، ترجمه سید احمد نژاد سجادی و همکاران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، تهران.
- مجدالدین، اکبر (1383)، نوربرت الیاس بنیان‌گذار جامعه‌شناسی فرایند، پژوهشنامه علوم انسانی (ویژه جامعه‌شناسی)، شماره 42-41، بهار و تابستان، صص 131-148.
- مهرآئین، محمدرضا (1395)، مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی ورزش، انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول، تهران.
- نادریان جهرمی، مسعود (1400)، مبانی جامعه‌شناسی در ورزش، انتشارات بامداد کتاب، چاپ هشتم، تهران.
- نوابخش، مهرداد؛ جوانمرد، کمال (1388)، پیشقراولان جامعه‌شناسی ورزش، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، سال پنجم، شماره اول، بهار، صص 133-149.
- هنیش، ناتالی (1398)، جامعه‌شناسی نوربرت الیاس، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، نشر نی، چاپ سوم، تهران.

## References

- Elias. Norbert (۱۹۳۹) the civilizing process: the histoey of manners (oxford: Blackwell combined) edition ۱۹۹۴.
- Elias, norbert and E. Dunning, (۱۹۸۶) Quest for excitement: sport and leisure in the civilizing process (oxford: Blackwell).
- Elias. Norbert. (۱۹۸۰) Norbert elias par lui – meme; paris; fayard.
- Elias. Norbert (۱۹۶۹) the court socity; New York: pantheon edition : ۱۹۸۳.
- Elias, Norbert (۱۹۷۸) what is sociology? New York: Columbia university press.